



دانشگاه باقر العلوم %

پایان نامه کارشناسی ارشد

رویارویی فکری ائمه[ؑ] با غالیان

استاد راهنما: جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد جعفر علمی

استاد مشاور: جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی

نگارنده: امیر حسین غفاری

سال تدوین: ۱۳۸۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوءَةِ وَ مَوْضِعِ
الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ
مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خُزَّانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ وَ
أُصُولِ الْكَرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَّمِ وَ أَوْلِيَاءِ النِّعَمِ وَ
عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ
الْعِبَادِ وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَ
أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ
الْمُرْسَلِينَ وَ عِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ
اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ
الْمَعْصُومَةَ اشْفَعِي لِي وَ لِي وَالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ فِي الْجَنَّةِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ

با تشکر از؛

پدر و مادر مهربانم، خانواده محترم، همه اساتید و همه کسانی که مرا یاری نمودند.
و با سپاس از اساتید ارجمند جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمد جعفر علمی که ضمن استفاده از دروس حکمت متعالیه راهنمایی این رساله را با رویی باز پذیرفتند.
و با تشکر از استاد بزرگوار جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر عبدالرحیم سلمیانی بهبهانی که علاوه بر اینکه استاد راهنمای اینجانب در رشته تخصصی کلام بودند، مشاوره این پایان نامه را اصمیمانہ قبول کردند.
و با عرض ادب خدمت همه اساتید خصوصاً جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای سید شرف الدین ملک حسینی، که علاوه بر توفیق بهره مندی اینجانب از دروس منطق مناظره و الهیات نقلی، مرا در تدوین این مجموعه بسیار یاری نمودند.
و همچنین از اینکه توفیق یار شد و داوری این مجموعه را استاد عزیز و یار شفیق حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمد مهدی گرجیان قبول فرمودند و قبلاً نیز طعم شاگردی ایشان را در دروس فلسفه الهی و الشواهد الربوبیه چشیده بودم خداوند تبارک و تعالی را شاکرم.

با تقدیم به؛

پیامبر اعظم، ائمه اطهار) و مادر آنها &
روح مقدس همه شهدای اسلام، خصوصاً شهدای انقلاب و امام آنها
همه جویندگان راه حقیقت، مشوقان و مرشدان و معلمان آنها

خلاصه و چکیده مطالب

در این تحقیق، ابتدائاً غلات را به عنوان کسانی معرفی نموده ایم که درباره اهل بیت) سخنانی گفتند که خود آنها درباره خودشان نگفتند و امامان را در عرض خداوند تبارک و تعالی قرار دادند و صفات الهی را به صورت استقلالی منسوب به اهل بیت) کردند. مغالین، اعتقاداتی مانند حلول یا تشبیه یا تناسخ یا الوهیت یا نبوت و... داشتند که به سبب همین اعتقادات از مرز اسلام خارج و وارد دایره کفر گشتند، از حد و میزان اعتدال و حقیقت، تجاوز کردند و در حق اهل بیت) غلو نمودند. ائمه) که میزان حقیقی افکار و اعمال اند در برابر این ارتفاع غالیان، موضع گرفته و با آنها برخورد فکری و عملی کردند.

در این مجموعه ضمن آشنایی اجمالی با پدیده غلو و غالیان، به طور مبسوط با شیوه رویارویی فکری ائمه) با این افراد به ظاهر دوست، اما در واقع، دشمن اهل بیت) آشنا خواهیم شد و سپس در فصل رویارویی عملی، خواهیم دید که ائمه) ضمن نهی از غلو، دستور به تبری جستن و سب و لعن غلات را داده‌اند و آنها را به انزوا کشانده و در مواردی آنها را مجروح و یا به قتل رسانده‌اند و یا دستور آن را صادر فرموده‌اند، که مجموع اینها برای خواننده یک پیام اساسی دارد و آن فاصله عمیق میان غالیان و شیعیان است و اینکه این دو گروه را هرگز نباید در کنار هم و با هم دید.

فهرست مطالب:

۷	خلاصه و چکیده مطالب
۱۲	مقدمه
۱۲	پیشگفتار
۱۳	تبیین موضوع
۱۴	اهمیت و جایگاه
۱۴	روش تحقیق
۱۴	واژگان مرتبط
۱۴	فرضیه ها
۱۵	پیشینه موضوع تحقیق

بخش اول

۱۷	فصل اول: مقدمه علمی و کلیات
۱۹	تعریف لغوی غلو:
۲۰	تعریف اصطلاحی غلو
۲۰	غلو در قرآن:
۲۳	غلو در روایات
۲۵	نزد اهل سنت
۲۷	در نزد شیعه
۲۸	غلو در ذات، صفات و فضایل
۳۰	حکم غلات در نزد علمای امامیه
۳۱	پیشینه غلو
۳۱	قبل از اسلام:
۳۲	بعد از ظهور اسلام:

در زمان امامت حضرت امیرالمؤمنین % ۳۴

مقیاسه‌ای بین غلو در مورد پیامبر - و در مورد حضرت علی % ۳۵

اولین فرقه غالی و ماجرای عبدالله بن سبأ ۳۷

فصل دوم: عوامل و اسباب غلو ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱. زیاده روی در علاقه و دوستی: Error! Bookmark not defined.

۲. جهل، نا آگاهی و فریفته شدن Error! Bookmark not defined.

۳. سوء استفاده‌های مالی و ریاستی Error! Bookmark not defined.

۴. اباحی گری Error! Bookmark not defined.

۵. جذب پیرو Error! Bookmark not defined.

نکات: Error! Bookmark not defined.

بخش دوم: شناسایی غلات ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

فصل اول: عقاید مختص غلات ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱. اندیشه حلول و تجسیم Error! Bookmark not defined.

۲. اندیشه تشبیه Error! Bookmark not defined.

۳. اندیشه تناسخ Error! Bookmark not defined.

۴. اعتقاد به الوهیت و خدایی ائمه) و اشخاص دیگر Error! Bookmark not defined.

۵. اعتقاد به نبوت ائمه) و دیگران Error! Bookmark not defined.

۶. عقیده به تفویض Error! Bookmark not defined.

۷. گرایش به اباحیگری Error! Bookmark not defined.

۸. مرگ ظاهری Error! Bookmark not defined.

۹. عقیده وصایت و جانشینی حضرت علی % از طرف ابن سبأ Error! Bookmark not defined.

۱۰. اعتقاد به مهدویت غیر از مهدی (عج) Error! Bookmark not defined.

۱۱. اعتقاد به رجعت رهبران دروغین Error! Bookmark not defined.

۱۲. اعتقاد به بداء (به معنای علم بعد از جهل) Error! Bookmark not defined.

۱۳. اعتقاد به تأویل قرآن از ناحیه غیر ائمه) Error! Bookmark not defined.

ملحقات Error! Bookmark not defined.

۱. مخالفت با صحابه Error! Bookmark not defined.

۲. محبت به علی % Error! Bookmark not defined.

۳. تقدیم علی % بر صحابه Error! Bookmark not defined.

فصل دوم: فرقه‌های عمده و بانیان آن ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

الف) در زمان امامت حضرت علی % Error! Bookmark not defined.

سبائیه (سبئیّه): منسوب به عبدالله بن سبأ Error! Bookmark not defined.

وجود عبدالله سبا (و نقد نظریه علامه عسکری) Error! Bookmark not defined.

ب) تا عصر صادقین ع Error! Bookmark not defined.

کیسانیه (مختاریه): پیرامون مختار بن ابی عبیده ثقفی Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. بیانیه: پیروان بیان بن سمعان نهدی تمیمی

Error! Bookmark not defined. مغیریه: منسوب به مغیره بن سعید بجلی (عجلی)

Error! Bookmark not defined. جناحیه: منسوب به عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

defined.

Error! Bookmark not defined. منصوریه: پیروان ابو منصور عجلی

Error! Bookmark not defined. خطابییه: پیروان ابی الخطاب بن ابی زینب

Error! Bookmark not defined. (ج) در عصر سایر ائمه)

Error! Bookmark not defined. بشیرییه: پیروان محمد بن بشیر کوفی

Error! Bookmark not defined. (د) غالیان بدون فرقه

Error! Bookmark not defined. از زمان امام رضا% تا زمان غیبت صغری

Error! Bookmark not defined. معرفی عده‌ای از غالیان

بخش سوم: رویارویی ائمه) با غالیان (..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

فصل اول: رویارویی فکری..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

Error! Bookmark not defined. ۱. از راه حکمت و برهان

Error! Bookmark not defined. الف. ارجاع به قرآن و سنت

Error! Bookmark not defined. ب. ارجاع به عقل

Error! Bookmark not defined. تکمله: (هشدار به جعلی بودن بعضی احادیث)

Error! Bookmark not defined. ۲. ارشاد و اندرز (موعظه حسنه)

Error! Bookmark not defined. الف. ارشادات نسبت به رهبران و پیروان غلات

Error! Bookmark not defined. ب. ارشادات نسبت به توده‌ی شیعه

Error! Bookmark not defined. ۱. معرفی خود و خدا:

Error! Bookmark not defined. ۲. معرفی غلات:

Error! Bookmark not defined. ۳. مناظره (جدال احسن).

Error! Bookmark not defined. روایات:

Error! Bookmark not defined. تحلیل در باب قلت مناظره ائمه) با غالیان

Error! Bookmark not defined. تکمله ۱: در باب روایات «قولوا فی فضلنا ما شئتم»

Error! Bookmark not defined. تکمله ۲: علم غیب (آیا ائمه) عالم به غیب بو ده‌اند؟

Error! Bookmark not defined. نتیجه مجموعه آیات علم غیب

Error! Bookmark not defined. روایات علم غیب

Error! Bookmark not defined. جمع بندی مطالب فصل اول از بخش سوم (رویارویی فکری)

Error! Bookmark not defined. جمع بندی ۱:

Error! Bookmark not defined. جمع بندی ۲:

فصل دوم: رویارویی عملی ائمه) با غالیان (..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

Error! Bookmark not defined. نکات مقدماتی:

Error! Bookmark not defined. ۱. تأثیر و دگرگونی در ائمه).

Error! Bookmark not defined. ترس و لرز ائمه) در برابر خداوند از غلو

Error! Bookmark not defined. ۲. پناهندگی به خدا از غلو غالیان.

Error! Bookmark not defined. مناجات، عبادت، قسم، حمد، شکر و تسبیح خدا.

Error! Bookmark not defined.	۳. نهی از غلو
Error! Bookmark not defined.	۴. دعوت به توبه
Error! Bookmark not defined.	۵. تبری جستن از غلات
Error! Bookmark not defined.	۶. سب و لعن
Error! Bookmark not defined.	۷. طرد و انزوا
Error! Bookmark not defined.	۸. زندان
Error! Bookmark not defined.	۹. تبعید
Error! Bookmark not defined.	۱۰. دستور جرح (مجروح کردن)
Error! Bookmark not defined.	۱۱. قتل غالی
Error! Bookmark not defined.	توضیح در مورد قتل و تبعید غالیان
Error! Bookmark not defined.	جمع بندی مطالب فصل دوم از بخش سوم (رویارویی عملی)
Error! Bookmark not defined.	جمع بندی ۱:
Error! Bookmark not defined.	جمع بندی ۲:
Error! Bookmark not defined.	حاصل بحث
Error! Bookmark not defined.	حاصل و نتیجه رویارویی فکری ائمه) با غالیان
Error! Bookmark not defined.	حاصل و نتیجه رویارویی عملی ائمه) با غالیان
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	کتابنامه

مقدمه

پیشگفتار

این نوشتار از چند جهت می‌تواند مورد توجه باشد.

1. پیشگیری

بحث پیش رو می‌تواند برای شیعیان و ارادتمندان به حضرات معصومین) مفید و دارای اهمیت می‌باشد، به دلیل اینکه هر چند ما باید به آنها ارادت داشته و مودّت بورزیم و آنها را در اوج کمالات انسانی بدانیم، اما احتمال می‌رود این ارادت و احترام از مرز تعادل خارج گشته و بعضی آنها را در عرض خداوند تبارک و تعالی قلمداد نموده و به آن معتقد گردند، همانطور که تا بحال این مسئله برای عده‌ای رخ داده است، و به تعبیر دیگر دچار شرک و کفر گردند، امید است مطالعه این مجموعه بتواند از چنین مشکلی پیشگیری نماید تا عاشقان و دوستان ائمه) ضمن بیان کمالات و فضایل اهل بیت) که مأمور و موظف بر آن هستیم بتوانند از فرو افتادن به وادی کفر و غلو در امان بمانند و آگاه گردند که با انتساب بعضی سخنان و عقاید به ظاهر زیبا به اهل بیت) قلب آن بزرگواران را به درد آورده و ضمن اینکه از زمره شیعیان خارج می‌گردند در زمره کسانی قرار می‌گیرند که معصومین) از آنها بیزار بوده و آنها را لعن و نفرین نموده‌اند و نیز در بیان فضایل امامان برای ایمن ماندن از غلو و تقصیر، درباره آنها همان چیزی را بگوئیم که خودشان

فرموده‌اند و در عین حال معتقد باشیم که آنها را آنچنان که هستند نمی‌توانیم بشناسیم و وصف کنیم. و

لَا يَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ

2. هشدار

در بین مسلمین، افراد و گروههایی هستند که می‌گویند به ائمه) و خصوصاً به امیرالمومنین% ارادت ویژه دارند اما در حق آنها غلو می‌نمایند و مطالبی را درباره آنها می‌گویند که جز به خداوند تبارک و تعالی روا نیست، اینکه کسی نسبت به امامان) ارادت بورزد و آنها را قبول داشته و عاشق آنها باشد این خوب است اما آنچه ارزش دارد و به محبت ما محتوا می‌دهد آن است که ائمه) ما و کردار ما را تایید نمایند و مهر قبولی بزنند و الا این محبت از همان نوعی است که به محبوب صدمه وارد می‌کند. کسانی که هم اکنون در مورد اهل بیت)، عقاید فاسد افراطی دارند، اگر به شیوه برخورد ائمه) با کسانی که شبیه آنها بوده‌اند، آگاه شوند، این آگاهی می‌تواند زنگ بیداری برای آنان باشد، چرا که معصومین) به هیچ وجه آنها را تایید ننموده‌اند و آنها نه تنها شیعه نیستند بلکه شیعه نمایانی هستند که موجب ننگ شیعه گشته‌اند.

3. دفع اتهامات بی اساس

بعضی از نویسندگان و علمای ملل و نحل اهل تسنن، زمانی که می‌خواهند مذهب تشیع را محکوم نمایند، ابتدا عقاید غالیان را مطرح و سپس آن مطالب را رد و ابطال می‌نمایند و گمان و یا وانمود می‌کنند که این عقاید، همان اعتقادات شیعیان است، چرا که در موارد زیادی گزاره گویی غالیان در مورد امامان شیعیان است، و یکی از ابعاد مظلومیت شیعیان همین است، چرا که عقاید ابطال شده غلات، چیزی نیست جز اعتقادات کسانی که خود را شیعه معرفی می‌نمایند اما از تشیع و عقاید راستین آن بهره‌ای نبرده‌اند و شیعیان به تبع ائمه) از آنها و تفکراتشان بیزارند و با آنها به شدت برخورد نموده و آنها را از خود طرد نموده‌اند و آنها را از دایره اسلام خارج و حتی بدتر از زنداقه و کفار معرفی نموده‌اند.

اما غیر موافقان با شیعه، اعتقادات آن کفار شیعه نما را مطرح و بررسی می‌نمایند و در ذهن مخاطبان خود چهره‌ای زشت و کریه از شیعه می‌سازند و اذهان مسلمانان را از شیعیان متنفر می‌نمایند، در صورتی که شیعیان واقعی از آن عقاید مبراً و منزله‌اند.

تبیین موضوع

در این تحقیق، تلاش شده است، تا رویارویی فکری حضرت امیر المؤمنین% و فرزندان معصومش) با غالیان را بررسی نمائیم و در همین راستا به برخورد گفتاری، عملی و هر عکس العملی که آن بزرگواران در

برابر فرد و یا گروه و فرقه غالی داشته‌اند پرداخته‌ایم چرا که وقتی کسی درباره آنها (غلو می‌کرد آنها می‌توانستند سکوت نمایند و یا تمجید و تکریم کنند و یا اینکه مخالفت نمایند. می‌خواهیم بدانیم اهل بیت) در برابر غالیان چه عکس‌العملی داشتند؟ با آنها و درباره آنها چگونه سخن می‌گفتند و چه می‌فرمودند و با آنها چگونه مناظره و بحث می‌کردند و به چه طریقی عمل می‌نمودند؟ در این نوشتار خواهیم دانست که امامان معصوم) نه تنها در برابر گزافه‌گویی افراط‌گران سکوت ننمودند بلکه با آنها با برخورد کرده و آنها را از خود طرد و از دایره اسلام و دیانت خارج نموده‌اند. زیرا آنها مطالبی را درباره اهل بیت) گفتند که خود آن بزرگواران در مورد خودشان چنین نمی‌فرمودند و بدین طریق اهل بیت) را در کنار و در عرض خداوند قرار دادند، مقام خدا را کوچک شمردند و در مقام اهل بیت) غلو نمودند.

اهمیت و جایگاه

امروزه، در بین جوامع کسانی هستند که مدعی ارادت و محبت به اهل بیت) هستند و افکاری را به آنها نسبت می‌دهند که پیش از این در زمان خود اهل بیت) این افکار و اعتقادات وجود داشت. حال در این زمان، غالیان با رجوع به این مجموعه می‌توانند جایگاه خود را از نظر ائمه) بدانند و امید است که از عقاید باطل خود دست بردارند. و نیز این نوشتار می‌تواند به عنوان چراغ و راهنمایی باشد برای شیعیان واقعی که بدانند با این افراد چگونه باید برخورد کنند. با توجه به این مطلب و آنچه در پیشگفتار آوردیم به اهمیت و جایگاه این بحث، یعنی رویارویی فکری ائمه) با غالیان، پی‌می‌بریم.

روش تحقیق

گردآوری اطلاعات در این مجموعه کتابخانه‌ای است و در این راستا از نرم افزارهای موجود نیز کمک گرفته شده است و طرح مباحث توصیفی می‌باشد و در بعضی موارد تحلیل نیز نموده ایم.

واژگان مرتبط

غالی (غالیان)، غلو، مغالی، ارتفاع، تجاوز

فرضیه‌ها

سوال اصلی در این مجموعه این است که رویارویی فکری ائمه) با غالیان به چه صورت بوده است؟ از راه برهان و استدلال، و یارشاد و پند، و یا اینکه به طریق مناظره و جدال؟ در همین راستا این سوال فرعی مطرح می‌گردد که آیا اهل بیت) با غالیان برخورد عملی نیز نموده‌اند؟ و در صورت وجود به چه صورت بوده است؟ فرض دیگر این است که آیا موردی می‌توان یافت که امامان) فکر و یا عمل غلوآمیز را تایید و تمجید کرده باشند؟ و یا حداقل سکوت نموده و عکس‌العملی نشان نداده باشند؟ در این نوشتار خواهیم دید که فرض اخیر باطل است و ائمه) همواره با غلات برخورد فکری و عملی نموده و هرگز آنها و افکارشان را تایید ننموده‌اند.

پیشینه موضوع تحقیق

از همان زمانی که عده‌ای در حق اهل بیت) غلو کردند، آنها در برابرشان موضع گرفته و با آنها برخورد نمودند و عده‌ای، آن سخنان راه گشا و وقایع مربوط به آن را ضبط نمودند تا چراغی باشد برای آیندگان، که نمونه‌هایی از آن روایات را در پیش رو داریم. اما در بین کتابهایی که هم اکنون در اختیار ماست، کتابی را که مبسوط به این موضوع پرداخته باشد نیافتیم، اما کتابهای موجود که با موضوع بحث ما در ارتباط می‌باشند را به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

۱. کتبی که مستقیماً به همین موضوع، یعنی رویارویی فکری ائمه) با غالیان پرداخته باشند، مانند: کتاب «آراء ائمة الشيعة في الغلاة» از میرزا خلیل کمره‌ای و همچنین قسمتهایی از کتاب «غالیان کاوشی در جریانها و برآیندها» از صفری فروشانی و فصلی از پایان نامه «بررسی نقش غلاة در جعل حدیث» از فروغ طلاکوبی.

۲. کتبی که به بحث در مورد غلات پرداخته‌اند، مانند کتاب «التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع» از محمد بن احمد بن عبد الرحمان ملطی شافعی و «الشبک من فرق الغلاة فی العراق» نوشته احمد حامد صراف و کتاب «پژوهشی درباره طوایف غلاة» نوشته اسکندر اسفندیاری و کتاب «غلو» از صالحی نجف آبادی و کتب دیگر.

۳. کتابهایی که در مورد ملل و نحل می‌باشند که در ضمن آنها، به بحث غلات نیز پرداخته‌اند، مانند: «فرق الشیعه» از ابو محمد حسن بن موسی نوبختی و «المقالات و الفرق»، نوشته سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی و «الفصل فی الملل و الاهواء و النحل» از ابو محمد علی بن احمد معروف به ابن حزم

ظاهری.

به طور کلی، کتابهای زیادی که به بحث در مورد فرق و مذاهب پرداخته‌اند، نوعاً جزء دسته دوم و سوم می‌باشند و کتابی جامع درباره این موضوع نیافتیم، اما روایات این بحث را می‌توان در جلد بیست و پنجم بحارالانوار یافت.

بخش اول

فصل اول: مقدمه علمی و کلیات

تعریف لغوی غلو:

راغب اصفهانی در مفردات چنین آورده است: «الغلو تجاوز الحد، يقال ذلك اذا كان في السعر غلاء و اذا في القدر و المنزلة غلو و في السهم غلو و افعالها جميعاً غلا يغلو، قال (لا تغلوا في دينكم)¹ غلو تجاوز از حد و اندازه است، هنگامی که تجاوز از حد و اندازه در قیمت باشد به آن غلاء گفته شده است و هنگامی که در قدر و منزلت (و مقام) باشد غلو گفته شده است و جمیع افعال آن از باب فَعَلَ يَفْعُلُ می باشد. خداوند جل و علی فرموده است: (در دیتان غلو نکنید)

به تیر هم چون از کمان تجاوز می کند «غلو» می گویند. از همین جاست که به مقدار مسافتی که معمولاً هر تیر در هنگام خروج از کمان طی می کند «غلو» گفته می شود، چون از حد خود تجاوز کرده است. گر چه کلمه تعدی نیز به معنای افراط و تجاوز از حد می باشد، اما کلمه غلو در جایی به کار برده می شود که تجاوز از حد زیاد باشد.²

1. سوره مبارکه نساء / آیه 171.

2. راغب اصفهانی، مفردات، ص 364 و 365.

3. رک: احمد بن فارس، معجم المقاییس فی اللغة ص 812.

تعریف اصطلاحی غلو

غلو در قرآن:

کلمه غلو و مشتقات آن چهار مرتبه در قرآن در سوره‌های نساء، مائده و دخان به کار رفته است، آنچه در سوره‌های نساء و مائده آمده به معنای غلو دینی است و در سوره دخان به معنای غلیان به کار رفته است و در بعضی آیات قرآن، اگرچه لفظ غلو به کار نرفته است اما از معنای آن، غلو فهمیده می‌شود حال اجمالاً به این موارد می‌پردازیم:

الف. غلو در دین:

۱. سوره نساء آیه ۱۷۱: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهَوْا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید، و درباره خدا، غیر از حق نگویید، مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) او ست که او را به مریم القا نمود، و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابراین به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگویید: «خداوند سه گانه است!» (از این سخن) خود داری کنی که برای شما بهتر است. خدا، تنها معبود یگانه است، او منزّه است که فرزندی داشته باشد، (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و در زمین است، و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است.^۱

بنابر آنچه فخر رازی در توضیح این آیه آورده است یهود در طعن حضرت مسیح مبالغه کردند و به او نسبت ناروا دادند و از آن طرف نصاری نیز در حق او و در تعظیم او مبالغه کردند، و کار هر دو گروه مذموم است، در این تفسیر غلو در دین به معنای افراط در طعن و تعظیم مسیح معنی شده است و طریق حق، به بنده و فرستاده بودن حضرت مسیح % معنی شده است.^۲ شبیه همین مطلب در کشاف آمده است.^۱

1. ترجمه از: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 4، ص 220.

2. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج 6، ص 117.

علامه طباطبایی (نیز در تفسیر این دو آیه آورده: ظاهر این خطاب (البته به قرینه اینکه در این خطاب درباره مسیح % سخن گفته شده) این است که مورد خطاب خصوص نصارا باشد نه عموم اهل کتاب و اگر نصارا را به عنوان اهل کتاب (که عنوانی است مشترک بین یهود و نصارا) مورد خطاب قرار داده، برای اشاره به این حقیقت است که نصارا بدان جهت که اهل کتابند باید از حدودی که خدای تعالی نازل کرده و در کتب آسمانیش بیان فرموده تجاوز نکنند و یکی از آن حدود همین مسأله مورد بحث است و آن اینکه درباره خدای تعالی به جز حق چیزی نگویند.^۳

۲. سوره مائده آیه ۷۷: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ»

بگو: «ای اهل کتاب: در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگوئید! و از هوس‌های جمعیتی که بیشتر گمراه شدند و دگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!»^۴

بنابر آنچه فخر رازی در تفسیر این آیه آورده است: خطاب (یا اهل کتاب) هم به یهود و هم به نصاری می‌باشد و غلو که نقیض تقصیر است به خروج از حد معنی شده است و دین خدا که همان دین حق است بین غلو و تقصیر لحاظ شده است چرا که حق بین افراط و تفریط است و عبارت (غیر الحق) صفتی برای مصدر است، یعنی در دیتان غلو باطل نکنید، چرا که غلو در دین دو نوع است، غلو حق و آن این است که در تقریر، توضیح و تأکید بر مطلبی غلو شود و غلو باطل و آن در مواردی است که دلایلی که در شبهه‌ای بیان می‌گردد مخفی باشد و این همان غلوی است که یهود به حضرت عیسی % نسبت دادند و اینکه او را دروغگو خواندند و همچنین نصاری به حضرت عیسی % نسبت دادند و در مورد او ادعای الوهیت کردند.^۵

حضرت علامه طباطبایی (در المیزان چنین آورده است: «غالی» کسی را گویند که از حد، تجاوز و مرتکب افراط شود، کما اینکه در مقابل آن «قالی» کسی را گویند که تفریط و کوتاهی کرده باشد، این آیه

1. زمخشری، کشاف، ج 1، ص 593.

۲

3. موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج 5، ص 243.

4. ترجمه از: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد 5، ص 53.

5. ر.ک. فخر رازی، تفسیر کبیر، مجلد 6، جلد 12، ص 66.

خطاب دیگری است به رسول الله - در این خطاب به آن جناب دستور می دهد که اهل کتاب را دعوت کند به اینکه در دین خود مرتکب غلو و افراط نشود. چون اهل کتاب مخصوصاً نصارا به این بلیه و انحراف در عقیده مبتلا بودند.

آری دینی که از طرف پروردگار نازل شده باشد و کتب آسمانی آن را بیان کنند نشانه اش این است که در درجه اول، توحید را بر بشر عرضه کرده باشد و شریک را از خدا نفی کند، دینی است که بشر را از انباز گرفتن برای خداوند و پرستش بت نهی کند، و یهود و نصارا دارای چنین دینی نیستند، چون این دو طایفه نیز برای خدا انباز گرفتند.

مخصوصاً نصارا که رسوایی و شناختشان از یهود بیشتر است، گر چه در کیش یهودیان امروزی، چیزی که مستقیماً شرک باشد دیده نمی شود لیکن آیه شریفه «و قالت الیهود عزیر ابن الله...» کشف می کند از اینکه یهودیهای معاصر رسول الله - چنین اعتقادی را نسبت به عزیر داشته اند.^۱

ب. غلو به معنای غلیان:

سوره دخان آیات ۴۵ و ۴۶: یَغْلِي فِي الْبُطُونِ كَغَلَى الْحَمِيمِ.

این دو آیه از محل بحث ما خارج است، زیرا بحث ما تجاوز مقید به امور دین است نه. مطلق تجاوز، در حقیقت این آیه اشاره به غلو در معنای لغوی دارد.

ج. غلو معنوی:

منظور ما از غلو معنوی این است که اگر چه لفظ و کلمه غلو در این آیات نیست اما معنی و مفهوم غلو هست، یعنی معنای اصطلاحی غلو در اینجا لحاظ شده است. بعضی از این آیات عبارتند از:

۱. آل عمران آیه ۶۴: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ. بگوا ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما بعض دیگر را غیر از خدای یگانه به ربوبیت نپذیرد.

در این آیه از اینکه شخصی به غیر حضرت حق به عنوان «رب» و پروردگار، لحاظ شود نهی شده

1. موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج 6، ص 110 و 111 / علامه طباطبایی، المیزان، ج 6، ص 77 - 76.

است، زیرا این همان غلو در مورد آن شخص است، «رب» فقط خداست و لا غیر.

۲. توبه آیات ۳۰ و ۳۱: **وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهاً وَاحِداً لَإِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ.**

یهود گفتند: «عزیر پسر خداست» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست» این سخنی است که آنها به زبان می آورند، در حالی که همانند گفتار کافران پیشین (و مشرکان) است، خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می یابند!

در این دو آیه، اشاره به اعتقاد یهود و نصاری می کند که یهود، عزیر را و نصاری مسیح را پسر خدا پنداشتند و در حق آنان غلو نمودند.

همچنین آیات ۷۳ مائده، ۷۹ و ۸۰ آل عمران و ۱۶ رعد اشاره به غلو معنوی دارند.

غلو در روایات

روایات بسیاری از اهل بیت) در مذمت غلو وارد شده است که بخش اعظم آن در جلد بیست و پنجم بحار الانوار مجلسی (آورده شده است اما در بین این روایات ما به مواردی بر می خوریم که آن احادیث می توانند به عنوان ملاک و معیاری برای غلو قلمداد شوند که نمونه هایی از آنها چنین است:

۱. عن جعفر بن محمد عن ابائه) قال: قال رسول الله: **لا ترفعوني فوق حقي فان الله تعالى اتخذني عبداً قبل ان يتخذني نبياً**^۱.

پیامبر - فرمود: مرا بیش از حقم بالا نبرید و به راستی خداوند مرا بنده ای قرار داد قبل از اینکه مرا نبی قرار دهد.)

۲. قال امير المؤمنين%: **ايّاكم و الغلوّ فينا، قولوا: انّا عبید**

مربوبون، و قولوا في فضلنا ما شئتم^۲.

1. مجلسی، بحار الانوار جلد 25، ص 265، ح 5.
2. مجلسی، بحار الانوار، جلد 25، ص 270، ح 15.

علی% فرمود: از غلو در مورد ما بپرهیزید بگویید ما بندگان تربیت شده‌ای هستیم و در فضل ما هر چه خواستید بگویید.

۳. و قال امیر المؤمنین%: لا تتجاوزوا بنا العبودية ثم قولوا ما شئتم و لن تبلغوا...^۱

حضرت علی% فرمودند: ما را از مرز بندگی (خدا) فراتر نبرید، آن گاه هر چه خواستید بگویید و هرگز (به مقام ما آنچنان که هست) نخواهید رسید.

۴. قال علی%: و سیهک فی صنفان: محب مفراط ینذهب به الحب الی غیر الحق، و مبغض مفراط ینذهب به البغض الی غیر الحق، و خیر الناس فی حالاً النمط الأوسط، فالزموه.^۲

امیرالمؤمنین% فرمودند: به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: «دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود و دشمنی که در کینه توزی به من زیاده روی کرده به راه باطل در آید. بهترین مردم نسبت به من گروه میانه رو هستند، از آنها جدا نشوید.

۵. فقال له رجل من الانصار يقال له سعد: جعلت فداک، ما الغالی؟ قال: قوم یقولون فینا ما لانقوله فی انفسنا^۳

سعد به حضرت محمد باقر% گفت: جانم به فدایت، غالی چیست؟ حضرت فرمودند: قومی که در مورد ما چیزی می‌گویند که ما در مورد خودمان آن را نمی‌گوئیم.

۶. عن ابا عبدالله%: و أحبوا أهل بیت نبیّکم مقتصداً و لا تغلوا و لا تفرّقوا و لا تقولوا ما لا نقول...^۴

امام صادق% فرمودند: و اهل بیت پیامبران را به نحو اعتدال و اقتصاد دوست بدارید، غلو نکنید و متفرق نشوید و آنچه ما نمی‌گوئیم شما نگوئید.

۷. عن الصادق%:... یا اسماعیل، لا ترفع البناء فوق طاقته

1. مجلسی، بحار الانوار جلد 25، ص 274.

2. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه 126 ترجمه محمد دشتی.

3. کلینی، اصول کافی، ج 4، ص 230، حدیث 6 باب طاعة و تقوی.

4. مجلسی، بحار الانوار ج 25، ص 269.

فینهدم، اجعلونا مخلوقین، و قولوا فینا ما شئتم فلن تبلغوا^۱

امام صادق% فرمود: ای اسماعیل (بن عبدالعزیز) ساختمان را بیش از تحملش بالا مبر که خراب می‌شود، ما را مخلوق قرار دهید (و بدانید) و آن گاه هر چه خواستید درباره ما بگویید پس (به فضایل ما) نخواهید رسید.

از این روایات چنین برداشت می‌کنیم که در برابر راه میانه و طریق صحیح دو راه موجود است یکی افراط و دیگری تفریط که ما را از هر دو راه بر حذر داشته‌اند و به راه اقتصاد دعوت نموده‌اند، افراط همان غلو در حق این بزرگواران می‌باشد، حال که ما نباید غلو کنیم یعنی نباید افراط کنیم پس در حق اهل بیت) چه بگوئیم و چه اعتقاداتی داشته باشیم؟ اعتقاد ما باید چنین باشد که آنان بندگان خدا، مخلوق خدا و عابدان درگاه الهی هستند و در این درگاه تربیت شده‌اند، سپس با فرض معبود، مخلوق و مربوب بودن آنها، هر چقدر از فضایل آنان که می‌خواهید بگویید، اما آنچه به نظر می‌رسد این است که از فضایلی که خود ائمه) نسبت به خود نداده‌اند باید پرهیز نمود، به عبارت دیگر ما در اینجا باید به سه مرحله توجه داشته باشیم. اول اینکه آنها معبودند، دوم اینکه با فرض اول هر چه از فضایل آنها که می‌خواهیم بیان کنیم و سوم اینکه یا این فضایل محدود می‌شود به آنچه خود ائمه) درباره خود فرموده‌اند و در روایات و ادعیه معتبر ما موجود است نه هر آنچه به ذهن ما تراوش کند، به بیان روشن تر فضایل ائمه) توقیفی است و به ما اجازه این را نداده‌اند که نسبت به آنها هر اعتقادی داشته باشیم.^۲ و یا اینکه در بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام نهایت دقت را نموده تا اینکه از مرز فضائل خارج نگشته و به وادی غلو در ذات و صفات [توضیح آن می‌آید] گرفتار نشویم.

نزد اهل سنت

در این بخش به بررسی معنای غلو در نزد علمای اهل سنت می‌پردازیم، اهمیت این بحث از آن جهت است که از این طریق معنای رایج غلو در آن عصر مشخص می‌گردد از این رو تلاش می‌کنیم از قدیمی‌ترین نسخ اهل سنت مواردی را ذکر کنیم.

1. مجلسی، بحارالانوار، جلد 25، ص 279.

2. مطالبی در توضیح روایات قولوا فی فضلنا ما شئتم، در توضیح روایات خواهد آمد ان شاء الله. (ص 106)

بغدادی، شیعیان را به چند فرقه تقسیم نموده و سپس در مورد غلات چنین آورده است:

«فاما غلاتهم الذین قالوا بالهیهة الائمة، و اباحوا
محرمات الشریعة و اسقطوا وجوب فرائض الشریعة»^۱ غلات شیعیان
کسانی اند که سخن از الوهیت امامان) گفتند، و محرمات شریعت را مباح کردند و واجبات دین را ساقط
نمودند.

و اشعری چنین آورده است: «الغالية، و انما سُمّو الغالية لانهم
غلوا فی علیّ و قالوا فيه قولاً عظيماً»^۲ غلات به خاطر اینکه در مورد حضرت
علی% غلو کردند به این نام نامیده شدند و در مورد علی% قول و گفتار عظیمی را گفتند.^۳

و شهرستانی وقتی به فرقه غالیه رسیده است آورده: هولاء هم الذین غلوا فی حق
ائمتهم حتی أخرجوهم من حدود الخلیفة، و حکموا فیهم
بأحكام الالهية، فریما شبهوا واحداً من الائمة بالاله، و
ربما شبهوا الاله بالخلق و هم علی طرفی الغلو و التقصیر؛
اینان کسانی اند که در حق امامانشان غلو کردند به حدی که آنها را از حد و اندازه مخلوق بودن خارج
نمودند و در مورد آنان به احکام الوهیت حکم نمودند، پس چه بسا یکی از ائمه) را به خداوند شبیه نمودند
و چه بسا خداوند را به خلق تشبیه کردند و ایشان بر دو طرف غلو [در حق امامانشان] و تقصیر [در حق
خداوند] می باشند.» تعاریف دیگری از غالیان نیز آمده است که شبیه همین تعاریف است، در این تعاریف
اگر چه غلو تعریف نشده و اشاره به گروه غالیان دارد، اما معلوم است که این تعاریف ناظر به عقیده این
فرقه است و به نوعی تعریف غلو نیز می باشد، حاصل این تعاریف این است که اگر شخصی اعتقاد به
الوهیت علی% (یا ائمه) [و یا هر کسی که او امام خود می شمارد] داشته باشد و او را از حدود مخلوق بودن
خارج و شبیه به خالق نماید، او اعتقادی غلو آمیز دارد و غالی است. اما بعضی، غلو را به گونه ای دیگر
معنی کرده اند.

1. بغدادی، الفرق بین الفرق، صفحه 17.
2. اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین صفحه 66.
3. اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص 179.
4. شهرستانی، الملل و النحل، جلد 1، ص 154 و 155.

ذهبی، در توضیح دربارهٔ ابان بن تغلب، چنین آورده است: «فالشيعي الغالي في زمان السلف و عرفهم هو من تكلم في عثمان و الزبير و طلحة و معاوية و طائفة ممن حارب علياً رضي الله عنه و تعرض لسبهم و الغالي في زماننا هو الذي يكفر هؤلاء السادة، و يتبرأ من الشيخين ايضاً؛ شيعه غالی در زمان سلف و عرف آنان افرادی بودند که علیه عثمان، زبير، طلحه، معاويه و کسانی که با علی% جنگیدند، بدگویی کرده و آنان را سب می‌نمایند و غالی در زمان و عرف ما کسانی‌اند که آن بزرگواران را تکفیر و از شیخین تبری می‌جویند.»

و ابن حجر عسقلانی، در فتح الباری چنین آورده است: «و التشيع محبة علي و تقديمه علي الصحابة فمن قدمه علي أبي بكر و عمر فهو غال في شيعه و يطلق عليه رافضي و إلا فشيعی.^۲ تشيع عبارت است از محبت و دوستی علی% و مقدم دانستن او بر سایر صحابه غیر از ابی بکر و عمر، اما اگر کسی علی% را بر ابوبکر و عمر مقدم بدارد در تشيعش غالی است و بر او رافضي اطلاق می‌گردد و در غیر این صورت شيعه است.»

بر طبق این دو تعریف اگر شخصی یکی از این ویژگی‌ها را داشته باشد غلو کرده است و این ویژگی حاکی از غالی بودن آن شخص خواهد داشت: ۱. سب محاربین علی% ۲. تکفیر آنان ۳. تبری جستن از شیخین ۴. تقدیم علی% بر ابوبکر و عمر.

در نزد شیعه

شیخ مفید(، بعد از اینکه غلو را در لغت به تجاوز از حد معنی می‌کند در مورد غلات می‌فرماید:

«و الغلاة من المتظاهرين بالاسلام هم الذين نسبوا امير المؤمنين و الائمة من ذريته) - الى الالوهية و النبوة، و وصفهم من الفضل في الدين و الدنيا ما تجاوزوا فيه الحدّ، و خرجوا عن القصد، و هم ضلال كفار، حكم فيهم امير المؤمنين% بالقتل و التحريق بالنار، و قضت الائمة عليهم بالاكفار و الخروج عن الاسلام.»^۳ غالیان که از تظاهر کنندگان به اسلام، هستند کسانی‌اند که به امیر المؤمنان% و امامان دیگر از نسل آن حضرت، نسبت خدایی دادند و آنان را به

1. ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 118 و 119.

2. ابن حجر، فتح الباری، مقدمه آن، ص 460.

3. شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الاسلامیه (مصنفات شیخ مفید) ص 131.

چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که در آن از اندازه بیرون رفتند و از مرز اعتدال فراتر رفتند.

و عبدالله مامقانی، در مورد غلاة آورده است: «و المشهور ان الغلاة هم الذين يقولون فی اهل البيت) ما لایلتزمون اهل البيت) تلك المرتبة لهم کمن يدعی فیهم النبوة کالبزيعية و الالهية کالنصيرية و العلیاوية و الخمسة و نحوهم...»¹ مشهور آن است که غلات افرادی می باشند که در مورد اهل بیت) مطالبی می گویند که خود اهل بیت به ثبوت چنین مرتبه ای برای خودشان قایل نیستند مانند بزیه که مدعی نبوت ائمه بوده و نصیریه² که ادعای الوهیت آن بزرگواران را دارند و علیاویه و مخمسه و مانند آنان که از غلات می باشند. و همچنین در همین کتاب آمده است: «و نسب ابو ولید و الصدوق ایضاً منکر السهو الی الغلو»³ یعنی ابن ولید و شیخ صدوق، به منکر سهو النبوی نسبت غلو دادند.

هر چند در بین علماء شیعه در معنای غلو اختلافاتی وجود دارد اما می توان نقطه مشترک آن اقوال را در این خلاصه کرد:

غلو عبارت است از اعتقادی درباره ائمه (و یا هر شخصی) به نوعی که این اعتقاد از حد اعتدال بیرون باشد، مانند اعتقاد به الوهیت یا نبوت ائمه) و امثال این موارد و این تعریف، با تعریف اکثر اهل سنت، همراه است چرا که آنان نیز چنین عقیده ای در مورد اشخاص را غلو می دانند.

غلو در ذات، صفات و فضایل

با توجه به اینکه غلو درجات مختلفی دارد بسیار مناسب دیدیم که این نوع تفکیک میان غلو را در اینجا متذکر شویم.⁴

1. مامقانی، تنقیح المقال، ج 3، ص 88.
2. بنابر آخرین اطلاعات، عقاید فرقه ای که امروز به نصیریه شناخته می شوند، همان اعتقادات شیعه اثنی عشریه می باشد، و ادعای الوهیت ائمه در بین این فرقه، تهمتی به این گروه محسوب می شود، برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب: سبحانی، المذاهب الاسلامیه، ص 347 تا 350
3. مامقانی، تنقیح المقال، ج 3، ص 88.
4. ر.ک. صافی گلپایگانی، ذخیره العقبی فی شرح عروة الوثقی، جلد 2، ص 182 و 183 و همچنین: دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی

الف. غلو در ذات: منظور از غلو در ذات آن است که شخص یا گروه غالی، قایل به نبوت ائمه معصومین (یا الوهیت معصومین) یا حلول یا تناسخ گردد و یا ذات معصومین را از مرتبه خود بالاتر برده به مقام الوهیت و ربوبیت برساند.

مراد از اعتقاد به حلول، آن است که شخصی معتقد به حلول روح خدایی و مجسم شدن این روح در بدن افراد انسانی گردد. و منظور از تناسخ، انتقال روح از بدنی به بدن دیگر در همین جهان می‌باشد و آنکه به ظاهر او را مرده پنداشتیم نمی‌میرد، بلکه روح او به آسمانها می‌رود تا سپس در انسانی دیگر حلول کند. متکلمین و فقهای شیعه به اتفاق، قایل به تکفیر غالیان در ذات شده‌اند که نمونه‌هایی از آن را در قسمت حکم فقهی غالیان می‌آوریم.

ب. غلو در صفات، آن است که ائمه % را در همان حد ذات و مقام خود، یعنی بشر و امام، نگه داریم، ولی صفات و ویژگی و اعمالی را که اولاً و بالذات مخصوص خداوند است، به آنان نسبت دهیم، مانند اعتقاد به این که خداوند، خلقت موجودات و روزی دادن به آنها را به ائمه اطهار تفویض کرده است. از همین مقوله است اعتقاد به علم غیب کلی و مستقل ائمه) و همچنین تشریح استقلالی آنها نسبت به قوانین.^۱

ج. غلو در فضایل: منظور آن است که صفات و فضایی را به معصومین نسبت دهیم که دارای آن نبوده‌اند. در بین علماء در این بحث، اختلاف واقع شده است، هرگاه متکلم با دید کلامی خود به این نتیجه رسیده است که معصومین دارای حد خاصی از صفات و فضایل می‌باشند، اعتقاد به تجاوز از آن حد را جایز ندانسته و معتقد به آن را متهم به غلو نموده است. و بر عکس اگر متکلمی قایل به حد بالای صفات و فضایل برای معصومین باشد، خود را غالی ندانسته و بلکه طرف مقابل خود را متهم به تقصیر و کوتاهی در معرفت نموده وی را مقصر می‌نامد. یکی از مهمترین موارد اختلاف بین این دو دسته «سهو النبی» بوده که قمی‌ها آن را جایز و بغدادی‌ها آن را منتفی می‌دانستند.^۲ و نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است این است که ما روایاتی داریم که مضمون آنها نهایت فضیلت برای اهل بیت است، و عدم توان ما به شناخت فضایل آنها

اکبر رشاد، جلد سوم، ص 400. و نیز ر. ک: تبریزی غروی، التنقیح، ج 3 ص 67 و 68.

1. ر. ک. دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد، صفحات 400 - 380.

2. مطالب برگرفته از جربان شناسی غلو، فصلنامه علوم حدیث شماره 1، 1375.

نشان ضعف و عجز ماست، و یا به تعبیر دیگر می توان گفت اساساً ما غلو در فضایل نداریم بلکه آنها دارای بالاترین مقامات و فضایل هستند.^۱

حکم غلات در نزد علمای امامیه

شیخ صدوق ضمن اینکه غلات را کافر به خداوند تبارک و تعالی معرفی می کند آنها را از یهود و نصاری و مجوس و از همه بدعت گزاران بدتر معرفی می نماید.

شیخ مفید (بعد از اینکه غلات را متظاهر به اسلام معرفی می کند و می فرماید آنها درباره امیرالمؤمنین % و امامان) قایل به الوهیت و نبوت هستند می فرماید: **و هُم ضَلَالٌ كَفَّارٌ**^۲ و آنها را گمراه و کافر معرفی می نماید و شیخ صدوق نیز می فرماید: **اعتقادنا فی الغلاة و المفوضة انهم كفار بالله - جل جلاله - و انهم شر من اليهود و النصارى و المجوس و... و من جميع اهل البدع...**^۳

و علامه حلی (می فرماید: حتی اگر غلاة اقرار به شهادتین کنند آنها را از اسلام خارج می داند.^۴ و همچنین علامه مجلسی بعد از اینکه مظاهر غلو را در هفت امر معرفی می کند چنین می فرماید: اعتقاد به هر یک از آنها، سبب کفر و خروج از دین است، چنانکه ادله عقلیه و آیات و اخبار بر آن دلالت می کند.^۵ و آیه الله سید محمد کاظم یزدی، غلات را نجس می داند و آورده است که: **لا اشکال فی نجاسة الغلاة**،^۶ حضرت امام خمینی (در حاشیه آن آورده: ان کان غلو هم مستلزماً لانکار احد الثلاثة او التردید فیه،^۷ اگر غلو آنها مستلزم انکار یکی از ثلاثه [یعنی الوهیت، توحید یا نبوت] یا تردید در آن باشد، موجب نجاست غالی است. و همچنین آیه الله صافی گلپایگانی در شرح همین عبارت عروه، سه طایفه را معرفی می نماید:

1. ر.ک. مجلسی، بحار الانوار، ج 25، ص 346.
2. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، صفحه 63.
3. شیخ مفید، اعتقادات، ص 109.
4. علامه حلی، منتهی المطلب، ج 1، ص 152.
5. مجلسی، بحار الانوار، جلد 25، ص 346.
6. سید محمد کاظم یزدی، عروه الوثقی، صفحه 37.
7. همان و امام خمینی (ره)، تحریر الوسيله، ص 211.

طایفه اول کسانی که معتقد به الوهیت امیرالمؤمنین% یا غیر او از ائمه) باشند. طایفه دوم کسانی که غلوشان منجر به انکار ضروری دین گردد و منتهی به انکار خدا نمی‌گردد بلکه به خدا اعتقاد دارند مثل اینکه معتقداند تکوین و تشریح و زنده کردن و میراندن به دست امیرالمؤمنین% است ایشان، قایل به نجاست این دو دسته هستند، و طایفه سوم طایفه‌ای که متهم به غلوند، که معتقد به اولوهیت امیرالمؤمنین و ائمه) و ربوبیت آنها نیستند و اعتقاد به تفویض خلق و تشریح ندارند بلکه معتقدند که آنها% و لاه امر او و گرامی ترین مخلوقات در نزد او تبارک و تعالی هستند، اینها نه تنها نجس نیستند بلکه در بلندی مرتبه اشان شک نیست. حضرت آیه الله خویی(؛ غلاة یعنی آنهایی که یکی از ائمه) را خدا خواند و یا بگویند خدا در او حلول کرده است را نجس می‌داند، و مانند همین مطلب از آیات فاضل لنکرانی، تبریزی، سیستانی و مکارم شیرازی^۲ آمده است و بسیاری از علمای دیگر شیعه، نیز حکم به کفر غلات کرده‌اند که بر این حکم کفر و نجاست، مسایلی مترتب است مانند اینکه ذبح غالیان حلال نیست و اینکه غالیان، ارث نمی‌برند، ازدواج با آنان حرام است و مسایل دیگر.

پیشینه غلو

قبل از اسلام:

در این که قبل از اسلام، غلو در بین دیگر ادیان وجود داشته است بحثی نیست و تاریخ ادیان این مطلب را تأیید می‌کند، معبودهای مردم مصر قدیم به دو هزار می‌رسید و هر آنچه را که برای آنان سود بسیار داشت می‌پرستیدند مصریان پادشاه خود را که فرعون نامیده می‌شد، خدای خورشید و پسر خدا و بالاخره خود خدا می‌دانستند، اعتقادات غلو آمیز در میان مردم هند باستان، چینهای باستان، ژاپنیا، یونانیا، رومیها، ایرانیها، و اعراب جاهلی وجود داشته است.^۳

آیاتی از قرآن کریم نیز شاهد بر این مدعا است که نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم:

1. ر.ک. تبریزی غروی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی تقریراً لبحث موسوی خویی، ج 3، ص 67 و 68 و صافی گلپایگانی، ذخیره العقبی فی شرح عروة الوثقی، جلد دوم، صفحه 184 - 182.
2. راشدی، توضیح المسائل مراجع، جلد 1، ص 80 - 76.
3. ر. ک: مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب، ص 96 تا 100.

۱. سوره انعام آیه ۷۶: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

هنگامی که (تاریکی) شب او را فرا گرفت، ستاره‌ای را مشاهده کرد و گفت: این پروردگار من است.

آیه ۷۷: فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ.

آیه ۷۸: فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ.

این برخورد حضرت ابراهیم % در برابر کسانی بود که ستاره، ماه و خورشید را می پرستیدند لذا چنین افرادی در آن زمان بودند و حضرت با احتجاجات خود، عقاید آنها را رد کرد.

۲. نازعات آیه ۲۴: فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى. پس (فرعون) گفت من پروردگار بزرگتر شما هستم.

۳. وَ قَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيْحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَتَى يُؤْفَكُونَ. یهودیان گفتند که عزیر، پسر خداست، در ادامه همین آیه همین مطلب درباره نصاری و حضرت مسیح آمده است.

۴. سوره سبأ، آیه ۴۱: قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ. بلکه آن مردم جن را پرستش می کردند.

بعد از ظهور اسلام:

آنچه در اینجا موضوع بحث ما می باشد این است که آیا ظهور پدیده غلو در اسلام از چه تاریخی است؟ آیا از زمان حیات خود حضرت رسول- است و یا بعد از رحلت ایشان؟ در مورد اینکه بعد از رحلت آن بزرگوار ولو بعد از مدتی و یا حتی بلافاصله بعد از وفات ایشان بعضی عقاید غلو آمیز مطرح گردید فعلاً بحثی نداریم اما شواهدی در دست است که بر طبق آنها شروع پدیده غلو، از عصر حیات خود پیامبر- و در مورد خود آن حضرت بوده است که ما شواهدی از آن را در اینجا می آوریم:

۱. تأکید قرآن کریم بر اینکه پیامبر- بشر است و اینکه قرآن کلام الهی است نه کلام محمد-، مانند آیه:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ» ای

رسول بگو به امت که من مانند شما بشری هستم که به من وحی می‌رسد که خدای شما خدای یکتاست.

علامه طباطبایی (در تفسیر این آیه چنین آورده است:

کلمه «انما» ی اولی، رسول خدا- را منحصر در بشریت می‌سازد و اینکه او بشری مانند سایر بشرهاست به طوری که هیچ چیزی زاید بر آنچه آنان دارند ندارد و هیچ زیادتى برای خود ادعا نمی‌کند و این در حقیقت رد پندار مردم است که خیال می‌کنند هر که ادعای نبوت کرد ادعای الوهیت و قدرت غیبی کرده است، و بر اساس همین پندار است که از انبیاء توقع‌هایی دارند که جز خدا کسی علم و قدرت بر آنها ندارد. در حصر اول به امر خدا همه اینها را از خود نفی می‌کند و برای خود اثبات نمی‌کند مگر تنها و تنها مساله وحی را. و انحصار دوم، معبود را که معبود ایشان هم هست منحصر در یکی می‌کند، و این همان توحید است که می‌گوید اله تمامی عالم یک اله است.^۲

این پندار مردم، که هر کس ادعای نبوت کرد، ادعای الوهیت و قدرت غیبی کرده است، از مصادیق غلو^۳ است، که در انحصار اول این آیه، این پندار نفی گشته است.

۲. روایاتی که در آنها حضرت رسول-، مردم را از غلو کردن درباره خودشان، نهی می‌کنند، مانند اینکه ایشان فرمودند: لا ترفعونی فوق حقی فان الله تبارک و تعالی اتخذنی عبداً قبل ان یتخذنی نبیاً^۴ مرا از آنچه حق من است، بالاتر نبرید بدرستی که خداوند مرا قبل از اینکه پیامبر قرار دهد، عبد و بنده قرار داد.

۳. سؤال بعضی افراد از پیامبر که آیا تو را عبادت کنیم و تو را پروردگار خود قرار دهیم و اینکه آیا بر

تو سجده کنیم که روایت آن چنین است:

... یا محمد- أترید أن نعبدک و نتخذک ربنا؟ فقال- معاذ الله

ان نعبد غیر الله، و ان نامر بغیر عبادة الله، فما بذلک بعثتني و لا بذلک امرنی... یا رسول الله نسلم علیک كما یسلم بعضنا علی بعض؟ أفلا نسجد لک؟ قال لا ینبغی أن یسجد لأحد

1. سوره مبارکه کهف / 110.

2. موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج سیزدهم، ص 557.

3. مجلسی، بحار الانوار، ج 25، ص 272 ح 17 و شبیه همین در ص 265 ح

5.

من دون الله و لكن اكرموا نبيكم^۱... ای محمد- آیا تو را بپرستیم و تو را پروردگار خود قرار دهیم؟ حضرت فرمودند: از اینکه غیر از خدا را بپرستیم به خدا پناه می‌برم، و از اینکه امر کنیم به عبادت غیر از خدا، من به این مبعوث نشدم و به این امر نکردم... و همچنین در جواب کسی که پرسید آیا بر تو سجده کنیم [یا نه] فرمود: شایسته نیست کسی به شخصی به غیر از خدا سجده کند و لیکن پیامبران را اکرام کنید.

۴. خطاب شخصی به پیامبر- با عبارت: **السلام عليك يا ربّي، و پیامبر در جواب او فرمود: مالک لعنک الله ربّي و ربک الله**^۲.

البته به نظر می‌رسد بعضی از این موارد جهت پیشگیری از غلو باشد، اما مجموع این موارد و بالاخص مورد آخر گویای این نکته است که رشحاتی از غلو در زمان آن حضرت و در مورد خود ایشان بوده است.

در زمان امامت حضرت امیرالمؤمنین%

چنانچه بیان شد، رشحاتی از غلو در زمان حیات حضرت رسول اکرم- بوده است، و همچنین در زمان حکومت شیخین و افراد دیگر نیز غلو شده است. که علامه امینی به طور مبسوط در الغدیر آورده است، مانند غلو درباره ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه و ابوحنیفه^۳؛ اما پدیده غلو در زمان امامت و ولایت حضرت علی% به طور قطع وجود داشته است و چند نکته بر این مطلب گواه است:

۱. بعضی روایات رسیده از حضرت رسول اکرم- مانند اینکه حضرت فرمودند: **یا علی مثلک فی اُمّتی مثل المسیح عیسی بن مریم... و فرقه تغلو فیک و هم الجاحدون و انت فی الجنه یا علی و شیعتک و محبّ شیعتک ، و عدوک و الغالی فی النار** ای علی مثل تو در امت من مثل مسیح عیسی بن مریم است... و فرقه‌ای که در حق تو غلو می‌کنند و آنها کافرند، و توای علی و شیعیانت و دوستان شیعیانت در بهشت هستی و دشمن تو و غلو کنندگان درباره ات در آتش جهنم‌اند.

1. مجلسی، بحارالانوار، ج 25، ص 262.

2. مجلسی، بحارالانوار، جلد 25، ص 297، حدیث 61؛ اصل مطالب برگرفته از دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر رشاد، جلد 3، صفحه 405 و همچنین: شبلی، الصلّه بین التصوف و التشیع ص 131.

3. ر.ک. علامه امینی، الغدیر، ج 11.

4. مجلسی، بحارالانوار، ج 25، ص 264 و 265 حدیث 4.

۲. بعضی روایات رسیده از خود حضرت درباره همین موضوع که می‌تواند اشاره‌ای باشد بر وجود چنین اشخاصی در آن موقع مانند اینکه فرمودند: **اللهم انی بریء من الغلاة کبراءة عیسی بن مریم من النصارى اللهم اخذلهم و لاتنصر منهم احداً**^۱ خدایا من از غلو کنندگان بیزارم مانند بیزاری عیسی بن مریم از نصاری (که در حق او غلو کردند) خدایا آنها را خوار گردان و هیچکدام از آنان را یاری نفرما. و این روایت مشهور که فرمودند: **یهلک فی اثنان: محبّ غال و مبغض قال**^۲ دو گروه در مورد من هلاک می‌شوند دوستدار غلو کننده و دشمن دشنام دهنده، البته این روایت می‌تواند خبر از آینده باشد که در آینده غلو می‌کنند نه در این زمان،^۳ چنانکه روایت قبلی نیز دلالت بر غلو درباره حضرت علی% در زمان حضرت ندارد، بلکه دلالت بر غلو درباره حضرت دارد، بدون اینکه صریحاً بگوید این غلو در حیات حضرت است یا بعد از آن، اما شاهد سوم دلالت بر این مطلب دارد.

۳ شواهدی که وجود بعضی غالیان را در زمان خود حضرت، به اثبات می‌رساند، مانند اینکه عده‌ای بعد از جنگ با اهل بصره خدمت حضرت آمدند بر او سجده کردند و حضرت آنها را از این کار نهی کرد و آنها را به توبه دعوت نمود اما آنها امتناع کردند و توبه نکردند،^۴ و همچنین شخصی که درباره آن حضرت ادعای نبوت کرد و حضرت او را نهی کرد و او را سه مرتبه توبه داد اما او توبه نکرد، پس حضرت او را با آتش سوزاند و فرمود: شیطان بر او مسلط گردید و نزد وی آمد و این عقیده را به او تلقین کرد.^۵

مقایسه‌ای بین غلو در مورد پیامبر- و در مورد حضرت علی%

چنانکه آوردیم در مورد حضرت رسول اکرم- در زمان حیات ایشان گاهی عقایدی غلو آمیز شنیده می‌شد اما خوشبختانه این عقیده تبدیل به یک جریان و یک فرقه نشد. بلکه شعله‌های آن خاموش گشت و

1. همان، ص 284، ح 32.

2. همان، ص 285، ح 36.

3. البته در نقل دیگر حدیث مذکور لفظ ماضی به کار رفته است و چنین آمده است: **هلک فی رجلان محبّ غال و مبغض قال** (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت 117)

4. مجلسی، بحارالانوار، ج 25، ص 285 و 286، ح 37 و همچنین روایت 63.

5. همان، ص 286، ح 39.

حتی بعد از رحلت حضرت وقتی که شخصی مطلب خلافی را مطرح کرد با مخالفت روبرو گشت و همان جا مطلب تمام شد.^۱ اما غلو، در زمان امامت حضرت علی% به دو بخش تقسیم می گردد، بخش اول دوران بیست و پنج ساله سکونت حضرت در مدینه که گزارشی از غلو درباره حضرت به دست ما نرسیده است، و بخش دوم، که عده‌ای در این دوران و بعد از آن، در مورد حضرت علی% غلو کردند.

اما علت این امر چیست؟ چرا در دوره اول امامت حضرت، چنین اتفاقی رخ نداد، اما با شروع شدن دوره دوم، در حق حضرت عده‌ای سخنان و عقاید غلو آمیز را مطرح کردند؟

در پاسخ به این پرسش می توان گفت: در دوره اول مسایل، و شرایطی بود که اساساً غلو در مورد حضرت را منتفی می ساخت چرا که حضرت یاران خاصی مانند سلمان و ابوذر و عمار و مانند اینها داشتند که دارای معرفتی بالا و در عین حال، صحیح در مورد ائمه) بودند و اصحاب خاص حضرت در این دوره، عمدتاً همان اصحاب پیامبر- بودند و مقام بالاتر از علی% یعنی رسول الله- را دیده بودند و از طرف دیگر عموم مردم شناخت واقعی از امام را نداشتند چرا که سیاست حاکمان، مانع شناخت واقعی امام شده بود و مردم عادی دنبال سیاستهای حاکمان وقت بودند و کم تر با فضایل امام آشنا بودند فلذا جایی برای غلو درباره حضرت باقی نمی ماند^۲ اما در بخش دوم امامت حضرت علی% و در دوره‌ای که امام در کوفه حضور داشتند اگر چه مدت آن طولانی نیست اما شاهد عقاید غلو آمیز درباره آن حضرت هستیم چرا که در این دوره ضمن مواجه شدن با سیره حکومتی حضرت، شاهد جملاتی از حضرت شدند مانند: ایها الناس سلونی قبل ان تَفقدونی، فَلانَا بِطُرُقِ السَّماءِ اَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الارضِ^۳ ای مردم! پیش از آن که مرا نیابید آنچه می خواهید از من پرسید که من راههای آسمان را بهتر از راههای زمین می شناسم و همچنین اخبار حضرت از آینده، مانند خبر از آینده بصره^۴ و خبر از تسلط و خونریزی حجاج بن یوسف ثقفی^۵ و سخن گفتن حضرت از علوم مختلف، مجموع این عوامل عده‌ای از مردم را شیفته حضرت نمود و

1. ر.ک: شیبی، الصلوة بین التصوف و التشیع ص 131.

2. برگرفته از: رشاد، دانشنامه امام علی%، ج 3، ص 405 و 406.

3. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه 189.

4. ر. ک: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه 102.

5. همان، خطبه 116.

موجب عشق و علاقه فراوان به او نمود و از این جهت که در بین این مردم کسانی بودند که از معرفت صحیحی برخوردار نبودند آنها را منجر به اظهار عقاید فاسد و غلو آمیز مانند نبوت و الوهیت در مورد حضرت کرد.

اولین فرقه غالی و ماجرای عبدالله بن سبأ

یکی از شیوه‌های برخورد امام علی% با غالیان قتل آنها بوده است، البته بعد از مهلت دادن به آنها برای اینکه توبه کنند و از عقیده باطل خود دست بردارند، اما در کیفیت قتل این غلات که آیا به چه صورت بوده است و همچنین در اصل وجود چنین روایاتی بحث‌های مفصلی از سوی دانشمندان، صورت گرفته است و بعضی به طور کلی اینگونه روایات را نپذیرفته‌اند، اینکه آیا امام% آنها را ابتدا کشت بعد سوزاند، آیا آنها را با فرستادن دود به محلشان، خفه نمود یا آنها را با احراق به قتل رساند و یا اصلاً اینگونه روایات جعلی است؟! در این باره علمایی مانند علامه عسکری، در کتاب «عبد الله بن سبأ و اساطیر اخری»، طه حسین در کتاب «الفتنة الكبرى علی و بنوه»، علامه امینی در «الغدیر»، دکتر علی وردی در «وعاظ السلاطین»، کامل مصطفی شیبی در «الصلة بین التصوف و التشیع» و بعضی علمای دیگر دست به تحقیق گسترده زده‌اند و اینگونه روایات را جعلی می‌دانند، چرا که در اینگونه روایات که عموماً در آنها با نام عبدالله بن سبأ روبرو می‌شویم، اصل وجود عبد الله بن سبأ را مورد تردید قرار داده‌اند و او را یک وجود افسانه‌ای دانسته‌اند که دشمنان شیعه ساخته‌اند تا بدین وسیله شیعه را منتسب به او و عقاید غلو آمیز او که ریشه در سابقه یهودیت او دارد، کنند و شیعه را باطل جلوه دهند، طه حسین چنین آورده است: «ابن سبا موجودی است که دشمنان شیعه او را ساختند و به شیعه نسبت دادند تا در اصل این مذهب، عنصری یهودی را برای ضربه زدن به آن وارد کنند، زیرا شیعه ادعای حکومت داشت، به همین دلیل بود که این عنصر را در مذهب خوارج وارد نکردند، چرا که خوارج ادعای خلافت نداشتند»^۱ و اساس داستان عبدالله بن سبأ را سیف بن عمر معرفی می‌کند که سیف بن عمر در دروغ پردازی و حدیث سازی او شکی نیست و می‌گوید کارهایی که به عبدالله بن سبأ نسبت داده‌اند از قبیل معجزه است و اینها از یک فرد عادی، ساخته نیست.^۲

1. طه حسین، الفتنة الكبرى علی و بنوه، ص 98.

2. همان، ص 99.

اما علت خلق و اختراع افسانه عبدالله بن سبا چیست؟ در این باره تحقیقاتی انجام شده است که خلاصه آن چنین است:

دشمنان شیعه می خواستند بین شیعه و یهود ارتباط برقرار کنند و بر ضد شیعه تبلیغات کنند و دشمنان شیعه با نسبت دادن عقاید غلو آمیز ابن سبا به شیعیان به خوبی می توانستند شورشهای شیعی را سرکوب کنند و عقیده به وصایت و مهدویت از عقاید شیعیان را از عقاید منحرف شیعیان معرفی نمایند و بالاخره مخالفان با خلق افسانه ابن سبا، چنین وانمود کردند که علی% با خلفای سه گانه مخالف نبود بلکه طرفداران غالی او مانند ابن سبا بودند که این افکار را مطرح می کردند.^۱

اما در مقابل این نظریه، بعضی دیگر از علماء بر این عقیده اند که وجود عبدالله بن سبا را نمی توان انکار کرد و یکی از دلایل آن روایات دیگری است که از ائمه درباره او و لعن او وارد شده است که گریزی از آن روایات نیست.^۲ و اصل وجود او را ترجیح داده اند.

اما بنا بر اینکه عبدالله بن سبا وجود خارجی داشته باشد، نقش او در حد تأسیس یکی از فرقه های غلات بوده است، نه در حد تأسیس تشیع، و او هیچگونه ارتباطی با مذهب شیعه ندارد،^۳ ضمن اینکه احتمال می دهیم او بعد از اسلام آوردنش از شیعیان شده باشد و سپس راه انحراف را با توجه به عقاید قبلی خود در پیش گرفته باشد، و بعد از آن بر عقیده خود اصرار کرده و سپس عده ای را دور خود جمع نموده باشد، یعنی می توان او را به عنوان مؤسس اولین فرقه غالیان پذیرفت، که فرقه او همان گروه سبئی می باشد. بحث و تحلیل درباره وجود و عدم وجود عبدالله بن سبا و رابطه او با فرقه سبئی را در فصل فرقه های عمده غالیان انشَاء الله خواهیم آورد.^۴

1. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به دانشنامه امام علی%، زیر نظر رشاد، ج 3، ص 415 و همچنین رجوع کنید به کتاب علامه عسکری، عبدالله بن سبا و اساطیر اخری، ج 2، ص 215 تا 255.
2. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب: ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج 3، ص 331 و همچنین: رشاد، دانشنامه امام علی%، ج 3، ص 415.
3. رک: ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص 43.
4. رجوع شود به بخش دوم، فصل دوم از همین مجموعه.

